

راز سرقت ۲ چمدان طلا توسط دزد دیوانه



رازگشایی از سرقت های
سریالی سارقی که بعد
از دستگیری خود را به
دیوانگی می زد، خاطره یکی
از کارآگاهان پلیس آگاهی
تهران است. این سارق در
یکی از سرقت های خود دو
چمدان طلا سرقت کرد

اواخر سال ۸۵، سرقت از خانه ای در خیابان شریعتی به ما اعلام شد. با گزارش این سرقت راهی محل شده و تحقیقات را آغاز کردیم. دو چمدان پر از طلا ماهرانه و حرفه ای از خانه شاکی به سرقت رفته بود.

ماجرای این قرار بود که شاکی در کار طلا و جواهرات بود و ساعاتی قبل از سرقت، چمدان های طلا را به خانه اش آورده و داخل کمد گذاشته بود. باتوجه به اینکه حادثه در شب چهارشنبه سوری رخ داده بود، شاکی و خانواده اش برای دیدن مراسم چهارشنبه سوری همراه یکی از دوستان شان به پشت بام می روند و بعد از نیم ساعت تماشای آتش بازی به خانه برمی گردند. در همین زمان سارق وارد خانه آنها شده و ابتدا طلاهای همسر او را به سرقت می برد و بعد هم با جست و جوی در کمد ها، دو چمدان طلا را پیدا کرده و با خود می برد.

مظنون؛ شریک شاکی

شاکی در تحقیقات مدعی بود که به شریکش مشکوک است و نقشه سرقت را او طراحی و اجرا کرده است. شاکی درباره این که چرا شریک خود را عامل این سرقت می داند به ما گفت: تنها کسی که از وجود این چمدان های پر از طلا با خبر بود، شریکم بود. از طرفی او می دانست که من چمدان ها را به خانه می برم به همین دلیل در کمین من نشسته و زمانی که همراه خانواده ام برای تماشای مراسم چهارشنبه سوری از خانه خارج شدم او نقشه سرقت را اجرا کرده است.

سرقت حرفه ای

اما اظهارات شاکی برای ما قانع کننده نبود؛ چرا که سرقت چمدان ها به صورت حرفه ای انجام شده و مشخص بود که ما با یک سارق سابقه دار و حرفه ای طرف هستیم نه شریک یک طلا فروش.

به هر حال شریک شاکی به نام هرمز به عنوان تنها مظنون پرونده بازداشت شد. با این که ما معتقد بودیم هرمز سارق

نیست اما از آنجا که او سابقه کلاهبرداری و چک برگشتی داشت، بازداشت و روانه زندان شد. او توانست وثیقه ای فراهم کند و همچنان در بازداشت ماند.

سرقت های سارق مجنون

از آن ماجرا چند وقتی گذشت و اواخر سال ۸۷ من از پایگاه سوم پلیس آگاهی تهران به پایگاه یکم شمیرانات منتقل شدم. یکی از روزها، پرونده سرقت از خانه ای در منطقه درازشیب به ما اعلام شد. همراه یکی از همکارانم راهی محل سرقت شده و متوجه شدیم این سرقت نیز به صورت خیلی حرفه ای صورت گرفته بود. در تحقیقات میدانی متوجه شدیم مرد جوانی به نام مجید چند بار به اتهام سرقت منزل بازداشت شده اما هر بار خودش را به دیوانگی زده و همین ترغیب باعث آزادی او شده است. طبق اطلاعات و مدارکی که به دست آوردیم، مشخصات سارق خانه ای که در درازشیب به ما اعلام شده بود با مشخصات مجید شباهت زیادی داشت و این احتمال مطرح شد که سارقی که خود را به جنون می زد، متهم اصلی ما باشد.

تحقیقات برای دستگیری مجید را در دستور کار خود قرار دادیم و مشخص شد او در محدوده یکی از خیابان های جنوب تهران زندگی می کند اما آدرس دقیقی از او نداشتیم. بررسی هایمان نشان می داد که مجید هر روز صبح به آژانسی در آن محل می رفت و خودرویی را کرایه کرده و راهی مناطق شمالی تهران می شد. روزانه یک یا دو سرقت انجام می داد و بعد از آن دوباره با همان آژانس تماس می گرفت و از او می خواست به دنبالش برود و او را به نزدیکی خانه اش برساند. به همین دلیل آژانس هم آدرس دقیق محل زندگی مجید را نداشت.

از مدیر آژانس خواستیم هر زمان مجید برای گرفتن خودرو مراجعه کرد ما را با خبر کند که در نهایت به کمک مدیر آژانس مجید را بازداشت کردیم و آن زمان به او گفتیم که مأمور مبارزه با مواد مخدر هستیم.

او هم که اعتیاد داشت و می دانست موضوع خاصی او را تهدید

نمی کند، همراه ما آمد و ما بلافاصله با باز پرس پرونده هماهنگی کرده و وارد خانه مجید شده و یک سری مدارک و اسناد سرقتی کشف کردیم.

۱۵۴ سرقت

سعی کردیم از همان ابتدا با مجید رابطه ای دوستانه برقرار کنیم و او را به مرکز بهداشت شمیرانات برده و برایش داروی ترک اعتیاد تهیه کردیم. با این رفتار ما، متهمی که همیشه خود را به دیوانگی می زد، شروع به همکاری با ما کرد طوری که در مدت حدود شش ماه به ۱۵۴ فقره سرقت خود اعتراف کرد. مجید تمام خانه های آن محدوده را سرقت کرده و به عبارتی شخم زده بود. او خیلی حرفه ای و به صورت تکرر، چفت درها را با ابزارهایی که داشت باز می کرد و وارد خانه شده و نقشه سرقتش را اجرا می کرد. تحقیقات ما از مجید ادامه داشت تا اینکه یک شب گفت: می خواهم اعتراف کنم و سرقت مهم و بزرگی را که حدود چهار سال قبل در شب چهارشنبه سوری مرتکب شده بودم، برایتان بگویم. من یک شب وارد خانه ای در خیابان شریعتی شدم و بعد از سرقت طلاهای همسر صاحب خانه، دو چمدان پر از طلا داخل خانه یافته و آنها را هم سرقت کردم.

من به خوبی این پرونده را به خاطر داشتم؛ پرونده هرمز بود؛ شریک مرد طلا فروش که به اتهام سرقت دو چمدان بازداشت شده بود. بدون آنکه نشانی ای از محل سرقت بگویم از مجید خواستم ما را به آنجا ببرد.

با مجید راهی محل شده و او خانه مالباخه را به ما نشان داد. مالباخته از اینکه سارق شناسایی شده بود گریه می کرد و می گفت در این مدت به خاطر سرقت، ورشکست و زندگی اش نابود شده است.

همزمان با اعتراف مجید، موضوع را به باز پرس پرونده اعلام کردیم و برای هرمز هم قرار منع تعقیب صادر شد. این سرقت نه تنها باعث نابودی زندگی مرد طلا فروش شده بود بلکه ظن اشتباه او، چهار سال شریکش را هم گرفتار کرده بود.

برگ سبز و سند کمپانی موتورسیکلت آرشیو رنگ قرمز مدل ۱۳۹۰ به شماره پلاک ایران ۱۲۱ - ۵۸۳۲۷ و شماره موتور *NBD156FM100054972 و شماره تنه *NBD***125A9013741 به نام علیرضا مرادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودرو هاچ بک کوئیک، مدل ۱۴۰۰، رنگ سفید، پلاک ۵۱۶ م ۶۱ ایران ۹۱ شماره موتور M159352710a شماره شاسی NAPX212AAM1073035 به نام یسنا عباسپور مفقود گردیده و فاقد اعتبار است.

برگ کمپانی دنا مدل ۱۳۹۷ سفید روغنی به شماره پلاک ۱۵۵۴۸۹ ایران ۸۸ شماره شاسی NAAW01HE4JE104519 و شماره موتور 147H0416031 به نام گلبوته رمضان پور مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

برگ سبز خودرو سواری پژو هاچ بک ۲۰۶ مدل ۱۳۸۵ رنگ نقره ای متالیک شماره انتظامی ایران ۱۳ - ۷۷۵ و ۳۸ شماره موتور 13085037588 شماره شاسی 10855134 به نام زهره حمیدی نسب مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد.

سند کمپانی پژو ۲۰۶ مدل ۱۳۹۸ سفید روغنی به شماره پلاک ۵۷۶ م ۸۹ ایران ۲۴ شماره شاسی NAAP03FE8KJ155440 و شماره موتور 182A0087425 به نام پردیا باورصاد شانکیان مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سند کمپانی نیمه پدک - کانتینر جادری ماموت به شماره شاسی 81043450CH1368 و شماره انتظامی ۴۵۹۹۲ ایران ۵۵ و شماره موتور 000000000000 متعلق به اینجناب محمود قربانی فرزند یدالله مفقود گردیده و فاقد اعتبار می باشد، اشخاص در صورت هر گونه ادعا در مورد خودرو مذکور ظرف مدت ۱۵ روز یا مدارک کافی به اداره حقوقی مجتمع صنعتی ماموت تهران واقع در بزرگراه کرج قزوین مراجعه نمایند.

شماره تلفن پذیرش
۴۹۱۰۵۰۰۰
امور آگاهی های روزنامه جام جم